

بعثت پیامبر اکرم(ص) الگوی نهضت امام(ره)

حجت الاسلام محمد مهدی ماندگار

الگو پذیری امری فطری است

انسانها از بدو تولد برای دستیابی به برترین ها، در جستجوی الگوی کامل هستند. الگویی که با آن در اهداف، مکانیزم رسیدن به آن اهداف و شرایط دیگر، همخوانی داشته باشند. پدیده انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک حرکت فرهنگی و بعثتی که جهان معاصر را تحت تأثیر خود قرار داد. نمی تواند از این قانون کلی مستثنی باشد و از آنجا که امام بزرگوار(ره) انقلاب اسلامی ایران را تداوم حرکت همه انبیا(ع) بخصوص پیامبر خاتم(ص) و امامان معصوم(ع) و همه صالحان معرفی کرد، طبیعی است که از آنها الگو برداری می کند. به جهت اینکه در اهداف (رسیدن و رساندن جوامع به کمال انسانیت) با آنها اشتراک دارد. لذا بر آن شدیم تا زمانه پیامبر خاتم(ص) و علل و عوامل موفقیت دعوت حضرت و نشر اسلام را با علل و عوامل موفقیت نهضت امام(ره)، مقایسه کنیم، چون حرکت امام(ره) نیز با گذشت حدود ۱۴ قرن از بعثت پیامبر(ص) در نوع خود کم نظیر بود و همانند دعوت پیامبر اکرم(ص) به سرعت عالم گیر شد.

عوامل موفقیت دعوت پیامبر(ص) و نهضت امام(ره)

در یک تحلیل کلی می توان عوامل موفقیت را در سه دسته قرار داد:

الف) عوامل محیطی

ب) عوامل محتوایی

ج) عوامل شخصیتی

هم در بعثت پیامبر اکرم(ص) و هم در نهضت امام(ره) سهم هر کدام از این سه دسته عوامل قابل بررسی است و نمی توان دخالت و تأثیر آنها را در به ثمر رسیدن این دو حرکت و انقلاب بزرگ نادیده انگاشت.

الف - عوامل محیطی

۱- پایگاه بودن شهر مکه: در بعثت پیامبر(ص)، شهر مکه با خصوصیتی که داشت در پیشبرد اهداف، تأثیر

فراوانی داشت. از جمله ویژگی های این پایگاه می توان به موارد ذیل اشاره نمود: ۴۳۴

۱-۱- تقدّس شهر مکه نزد عرب و غیر عرب، به گونه ای که آن را جایگاه تجمع عواطف، آرزوها و امیدهای مردم می دانند چون از زمان ابراهیم(ع)، حرم، محسوب می شد.

۱-۲- تناسب جغرافیای جزیره العرب اولاً با تحمل دشواری هایی که در این دعوت بود، ثانیاً جهت ارتباط با ملتها و دول اطراف، زیرا این نقطه، مرکز تجاری امم مختلفی بود که در اطراف حضور داشتند.

۱-۳- دور بودن مکه از نفوذ و ابر قدرت ایران و روم و سایر دول دیگر از یک طرف و حاکمیت ساختار قبیله ای در این منطقه از طرف دیگر، زمینه ایجاد توازن قوا را فراهم کرده بود.

پایگاه بودن شهر قم: در نهضت امام(ره) نیز پایگاه بودن شهر قم از جهات مختلف تأثیر زیادی در پیشبرد اهداف داشته که شاید بتوان به مواردی از آن اشاره نمود از جمله: وجود حوزه علمیه و پایگاه مرجعیت دینی که در آن را منشأ ارتزاق دینی و فکری خود می دانستند؛ نا امید شدن حکومت پهلوی از به یوغ کشیدن علماء و روحانیت و علی هذا رها کردن قم؛ اینکه هر ساله در مقاطع تبلیغی ماه مبارک رمضان و ماه محرم الحرام و غیره سفیران هدایت از این پایگاه حوزوی برای تبلیغ دین به اقصی نقاط کشور سفر می کردند، تقدس شهر قم به واسطه حرم کریمه اهل بیت(ع) و اینکه در روایات زیادی وعده نشر معارف دین از قم، داده شده بود و....

۲- اوضاع سیاسی - اجتماعی جزیره العرب: بهترین کلام برای تبیین اوضاع سیاسی - اجتماعی عرب در زمان جاهلیت و قبل از ظهور اسلام، کلام مولا امیر المؤمنین(ع) می باشد که فرمود: «بعثه و الناس ضلالاً فی حیره و حاطبون فی فتنه قد استهوتهم الأهواء و استزنتهم الکبرياء و استخفتهم الجاهلیة الجاهلاء حیاری فی زلزال من الأمر و بلاء من الجهل» ۴۳۵ خداوند پیامبر را به رسالت مبعوث نمود، در حالی که مردم گمراه و سرگردان بودند و هیزم آور (آتش) فتنه ها می شدند، امیال و آرزوها، عقل و اندیشه را ربوده بود، غرور و خود پسندی، آنان را [از مسیر هدایت] منحرف و متزلزل می داشت، و جاهلیت محض، آنان را پست نموده بود در حالی که در حرکت خویش سرگردان بودند. این بلایی از جهل بود.

در جای دیگر می فرماید: «و أنتم معشر العرب علی شرّ دین و فی شرّ دار منیخون بین حجارة خشن و حیّات صمّ تشربون الکدر و تأکلون الجشب و تسفکون دمائکم و تقطعون أرحامکم، الأصنام فیکم مصوبه و الآثام بکم معصوبه» ۴۳۶ ای گروه عرب، شما بدترین دین را داشته و در پست ترین منزلها (سرزمین حجاز)

بسر می بردید، در زمینی سنگلاخ و در بین مارهای کر و ناشنوا [کنایه از این است که آنها از سر و صدا نمی هراسیدند] بیتوته داشتید. از آبهای لجن و تیره می نوشیدید و غذاهای ناگوار (مانند آرد هسته خرما و سوسمار و...) می خوردید، خون خود را ریخته، ارحام یکدیگر را قطع می کردید و بتها در بین شما نصب شده و گناهان، شما را احاطه کرده بود.

باز در جای دیگری می فرماید: «فالأحوال مضطربةٌ و الأیدی مختلفةٌ و الکثرة متفرقةٌ فی بلاءِ ازلٍ و اطباقِ جهلٍ من بناتٍ موؤودةٍ و اصنامٍ معبودةٍ و أرحامٍ مقطوعةٍ و غاراتٍ مشنونةٍ...» ۴۳۷

اوضاع به هم ریخته بود و دستها (یعنی حاکمیت ها) مختلف، جمعیت انبوه اما پراکنده بود (مردمی) در رنج جانکاه و نادانی، (کارهایی) همانند زنده به گور کردن دختران، پرستیدن بتها، قطع رابطه با خویشاوندان و غارتگری از هر راهی که باشد، زندگی آنان را تشکیل می داد.

سخنان جعفر بن ابیطالب (ع) برای پادشاه حبشه بعد از خدعه و نیرنگ عمرو عاص، نیز بیانگر اوضاع جزیره العرب می باشد: «ما، قومی نادان و بت پرست بودیم، مردار می خوردیم، مرتکب فحشاء می گشتیم، با ارحام خویش قطع رابطه می نمودیم، با همسایگان خود بد رفتاری می کردیم و زورمندانمان ضعیفان را می بلعیدند... ما این چنین بودیم تا وقتی که خداوند، پیامبری از میان ما برگزید و به سوی ما فرستاد که نسب، صدق، امانت و عفتش را می دانستیم. او ما را به سمت یکتا پرستی و پرستش خدا فرا خواند و از پرستش سنگها و بت هایی که ما و پدرانمان بر آن بودیم، رهایمان ساخت. ما را به صدق سخن، ادای امانت، صلة رحم، نیک رفتاری با همسایگان و کناره گیری از محرّمات و خونریزی امر نموده، از کارهای ناروا و باطل، خوردن مال یتیم، تهمت زدن به زنان پاکدامن، ممنوعمان ساخت...»

حتی «مغیره بن شعبه» به «یزدگرد» در رابطه با اوضاع جزیره العرب قبل از اسلام چنین گفت: «و اما آنچه از پریشان حالی ما گفتی، از ما کسی بدتر نبود، و گرسنگی ما شبیه گرسنگی نبود، ما، سوسک ها و مارها را می خوردیم و آنها را طعام می دانستیم. منازل ما سطح زمین بود، آنچه از پشم شتر می بافتیم جای پوشاکمان بود. آیین ما این بود که برخی، بعضی دیگر را بکشند یا بر او تجاوز کنند. ما افرادی داشتیم که دختر خویش را، به خاطر اینکه دوست نداشت او از طعامش استفاده کند، زنده به گور می کرد.» ۴۳۸

خلاصه کلام اینکه همین مضمون به عنوان بیان وضعیت جاهلیت و چکیده دعوت اسلام در آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره انعام آمده است: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ * وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكَمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»

با توضیحاتی که گذشت، اوضاع سیاسی، اجتماعی جزیره العرب را می توان در قالب ذیل دسته بندی کرد:

۱-۲- خلاء فکری، فرهنگی و عقیدتی: از بیان امام علی(ع) استفاده می شود که موقع بعثت پیامبر(ص)، مردم عقاید با ثباتی نداشتند. در حیرت و سرگردانی به سر می بردند، حتی میل به بت پرستی هم به دلیل تقلید و تبعیت از آباء و اجدادشان بود، چنانکه قرآن می فرماید: «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ»، ۴۳۹، لذا با اندک توجه به فطرت از بت پرستی خود منصرف می شدند، یا نصرانی می شدند مثل «ورقة بن نوفل» و «عثمان بن الحویرث» و یا در حیرت و شک قرار می گرفتند مثل «رید بن عمرو بن نقیل» و «عبدالله بن جحش». ۴۴۰

شیوه مقابله قرآن نیز بر بی اساس نشان دادن اعتقادات عرب جاهلی استوار بود، از قبیل بی اعتبار کردن بتها و اینکه اینها، خود مخلوقند و هیچ توانی حتی توان دفاع از خود را ندارند. ۴۴۱

حکایتی شیرین و آموزنده

نقل شده که «عمرو بن جموح» یکی از رؤسای قبیله بنی سلمه، در خانه خود، بتی چوبی داشت که آن را عبادت می کرد. برخی از فرزندان او که همواره گروهی از بنی سلمه مسلمان شده بودند، شبی بت پدر را برداشته و در گودالی انباشته از کثافات انداختند. فردای آن شب، پدر با تلاش زیاد بت خود را در آن گودال یافته و پس از تطهیر، آن را بر جای اول نهاد. شب بعد، همین ماجرا تکرار شد و او باز بت خود را تطهیر کرده و بر جای خود نهاد، اما بار سوم شمشیر خود را بر گردن بت آویخت و به او گفت: «من نمی دانم چه کسی این بلا را بر سر تو می آورد، اگر خیری در تو هست از خودت دفاع کن، این هم شمشیر». در آن شب

نیز مسلمانان بت را برداشته و آن را همراه سگی مرده در همان گودال انداختند که فردای آن روز، عمرو از بت پرستی دست کشید و اسلام آورد و در شعری خطاب به بت خود گفت:

والله لو كنت إلهاً لم تكن
أنت و كلبٌ وسط بئر في قرن! ۴۴۲

۲-۲- خلاء حقوقی، اخلاقی: در زندگی عرب جاهلی، هیچ قانون و ضابطه ای که قادر به ایجاد محدودیت در اعمال آنها باشد وجود نداشت. بر اثر عدم وجود «قانون»، هرج و مرج اجتماعی و سیاسی همه جا را فرا گرفته و هر آن احتمال بروز جنگ وجود داشت. از طرفی عدم وجود ارزشهای اخلاقی، در تخریب بنیادهای جامعه، نقش گسترده ای داشت. سخنان جعفر بن ابیطالب در نزد پادشاه حبشه که پیش تر متذکر شدیم حاکی از فقدان ارزشهای اخلاقی در جامعه جاهلی بود.

۲-۳- فقدان حاکمیت سیاسی: موقعیت جغرافیایی **جزیره العرب**، تسلط بر عرب را برای امپراتوری های روم و ایران شبیه به محال کرده بود لذا این سرزمین مصونیت سیاسی نسبت به نفوذ قدرتهای بزرگ و ادیان مطرح دنیای آن روز همچون زرتشت و مسیحیت پیدا کرده بود. از طرفی ساختار سیاسی قبیله ای مانع شکل گیری یک قدرت واحد در منطقه شده بود و لذا یک قدرت سیاسی که بخواهد مانع جدی ترویج اسلام باشد وجود نداشت، مضافاً اینکه ساخت سیاسی قبیله به گونه ای بود که در پیشبرد اهداف پیامبر اکرم(ص) تأثیر فراوانی داشت؛ اولاً چنانچه رئیس قبیله مسلمان می شد، همه قبیله مسلمان می شدند همانند قضیه سعد بن معاذ و قضیه اسلام آوردن قبایل عرب در سال ۹ و ۱۰ هجری که قرآن، اسلام آنها را تسلیم معنا کرد نه ایمان. ۴۴۳ ثانیاً حمایت افراد قبایل از یکدیگر مانع اذیت و آزار دیگران می شد، به عنوان نمونه، حمایت قبیله بنی هاشم از مسلمین و پیامبر(ص) در جریان شعب ابی طالب، اینگونه بود. لذا تنها افرادی مثل بلال و عمار که حمایتگری نداشتند مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. ثالثاً در ساختار قبیله، حق جوار و همسایگی موجب حفاظت کسانی می شد که در جوار اشراف زندگی می کردند. ۴۴۴

این اوضاع اجتماعی، سیاسی، فکری و فرهنگی عرب جاهلی زمینه را برای مبانی مستدل و منطقی و مطابق با فطرت که با بیان و خلق زیبای پیامبر اکرم(ص) مطرح می شد و بشارت عدالت و امنیت و اخلاق را به مردم جزیره العرب می داد، فراهم کرد و بررسی تاریخ نشان می دهد که اولین روی آورندگان به این دعوت، کسانی بودند که از فقدان عدالت، امنیت، اخلاق و منطق، بیشترین ضربه ها و صدمات را دیده بودند.

اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران قبل از انقلاب

جاهلیتی که در قرن بیستم بر جهان به خصوص بر کشورهای تحت سلطه سایه افکنده بود، به مراتب از جاهلیت قبل از ظهور اسلام، دردآورتر بود. چون در این مقطع به نام آزادی، عدالت، برابری، برادری، تساوی حقوق، حقوق بشر، امنیت و هزاران شعار زیبا پیچیده ترین تجاوزات و ظلم ها صورت می گرفت و این را رسیدن به دروازه های تمدن بزرگ نیز تلقی می کردند ۴۴۵ در کشوری که اکثریت مردم مسلمان بودند، حاکمانی به عنوان مزدوران ابر قدرتها حکومت می کردند که حتی حاضر نبودند ظاهر اسلام و احکام اسلامی رعایت شود و همه منابع غنی این مملکت را اعم از نیروی انسانی و منابع غنی اقتصادی را در راستای اهداف سلطه جویانه ابر قدرتها مصرف می کردند. در فضایی که عدالت و امنیت و اخلاق و معنویت به فراموشی سپرده شده بود.

با توجه به مایه های مذهبی و دینی مردم، پیام انقلاب امام(ره) مبنی بر احقاق حقوق، احیای ارزشهای اسلامی، برقراری عدالت و امنیت، بیداری وجدانها، بازگشت استقلال و آزادی، دفع ظلم و ستم بیگانگان تحت لوای حکومت الهی، همانند مرهمی بر زخمهای کهنه مردم آرامش بخشید و مردم، تحقق همه آرزوهای خود را در پیام امام یافتند، لذا اینجا هم شاهد بودیم کسانی اولین روی آورندگان به این نهضت بودند که بیشترین صدمات را از اوضاع نابسامان آن روزها تحمل کرده بودند.

۳- زندگی دشوار مردم؛ یکی دیگر از عوامل محیطی که از دو جهت در موفقیت دعوت پیامبر اکرم(ص) تأثیر داشت، همین زندگی دشوار مردم بود که از طرفی، عدم بهره مندی از مظاهر دنیوی و به تبع عدم وابستگی، جان نثاری در رکاب پیامبر اکرم(ص) را آسان کرده بود و از طرف دیگر، تحمل مشکلاتی را که لازمه یک انقلاب است برای پا برهنگان و مستضعفان میسر می کرد. همین عامل در موفقیت امام نیز نمود فراوانی داشت؛ مردمی که در سخت ترین شرایط زندگی می کردند و اختلاف طبقاتی زیادی را شاهد بودند، همراه امام شدند، چون از امکانات دنیوی چیزی نداشتند که وابسته به آن باشند یا ترس از دست دادن آن را داشته باشند. از طرف دیگر این زندگی دشوار، تمرین خوبی بود که در جزئیات اعتصابات، تحصن ها، محاصره های اقتصادی و تحریم ها، به خوبی پاسخ داد و دشمنان فهمیدند که سختی های وارد شده بر مردم به نفع انقلاب و ضرر آنها تمام شده است.

۴- ویژگی ها و عادات عرب: از دیگر عوامل محیطی که پیامبر اکرم(ص) با جهت دادن به آنها، این عوامل را در جهت موفقیت بعثت به کار گرفت، بعضی ویژگی ها و عادات عرب، از جمله شجاعت، تعصب (عصبیت)، مهمان نوازی، وفای به عهد و پیمان، حسن همجواری، تحمل سختی ها و قوت اراده بود. رسول گرامی اسلام(ص) به این ویژگی ها، رنگ الهی داد و در راه پیشبرد اهداف عالیّه مورد استفاده قرار داد. امام بزرگوار(ره) نیز در نهضت اسلامی خود، خط بطلان بر همه ویژگیها و عادات جامعه قبل از انقلاب نکشید و با تقویت و جهت دادن صفاتی همچون توجه خاص ایرانیان به مظلومین در طول تاریخ، ۴۴۶ میهمان نوازی، شجاعت، تعصب، دفاع از حریم وطن، از این ویژگیها در جهت ایجاد شور و شعور انقلابی نهایت استفاده را نمود.

ب) عوامل محتوایی

۱- بقایای دین حنیف: دین حنیف به عنوان یک شریعت الهی از زمان حضرت ابراهیم(ع) در جزیره العرب جایگاه ویژه ای داشت. همه نیاکان پیامبر(ص) بر این شریعت توحیدی بودند و لذا دستورات باقیمانده از این شریعت الهی از قبیل، اعتقاد به توحید و خدای یگانه، فریضه حج، تعظیم بیت، وقوف در عرفات، قربانی شتر و... و از یک طرف هم خوانی شریعت پیامبر اکرم(ص) با این دستورات زمینه ساز تسریع در گسترش اسلام گشت.

در جامعه ایران قبل از انقلاب نیز، سنن اصیل باقیمانده از تشیع از قبیل جایگاه مساجد و تکیه ها، تعظیم عتبات و حرم های مقدس، تعظیم ماه مبارک رمضان، حرمت داشتن ایام عزای اهل بیت(ع) بخصوص ماه محرم و صفر، به عنوان پایگاه شروع حرکت امام(ره) قرار گرفت و امام(ره) در برابر رژیم تا دندان مسلح از بسیج عظیم مردمی در پایگاه هایی مثل حسینیه ها و مساجد و با سلاحی مثل الله اکبر و عزاداری، که در میان مردم در حال مسخ شدن بود، استفاده نمود و انقلاب عظیم را رهبری کرد.

۲- بشارتهای علمای یهود و نصاری: از آنجا که سیر تکاملی زندگی بشر یک امر بدیهی و مسلم است و ادیان الهی نیز چون آئین زندگی و راهیابی به سعادت دنیا و آخرت را ارائه می کنند، باید در مسیر تکاملی قرار داشته باشند، همه انبیاء الهی آمدن پیامبران بعد از خود به خصوص پیامبر خاتم(ص) را که صاحب شریعت کامل و جامع اسلام خواهد بود، بشارت می دادند. بر این اساس، علمای یهود و نصاری، به استناد

تورات و انجیل، گاهی با تصریح و گاهی با اشاره، آمدن پیامبر خاتم(ص) را برای مردم جزیره العرب مطرح می کردند. قرآن چنین می فرماید:

«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ

يَعْلَمُونَ» ۴۴۷ و نیز می فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...» ۴۴۸ همین که بعد از مدت کوتاهی از بعثت پیامبر(ص) بعضی از اهل کتاب (پیروان دین یهود و مسیحیت) به لجاجت با پیامبر(ص) و در نهایت به جنگ پرداختند، دلالت می کند بر اینکه هم در تورات و هم در انجیل و هم در گفتار علما، تصریح به این بعثت بوده است و لذا مقاومت می کردند و الا اگر این چنین نبود، می توانستند به استناد تورات و انجیل، اصل بعثت را انکار کنند و خود را با جنگ در معرض خطر نیندازند.

از جمله عوامل مؤثر در گرایش مردم به نهضت امام(ره) نیز بشارتهای علمای تشیع به ظهور قیام و انقلابی از سرزمین قم به عنوان زمینه ساز حکومت حضرت مهدی(عج) مطرح است، لذا در طول تاریخ تشیع، مسلمین و شیعیان عنایت خاصی به نهضتهای شیعی، به خصوص حرکت های اصلاحی که از قم، شروع می شد، داشتند. در روایات زیادی هم وارد شده که، علوم و معارف دین از قم به سر تا سر عالم گسترده می شود.

۳- نوع معجزات پیامبر اکرم(ص) به خصوص قرآن: ویژگی های معجزه استثنایی پیامبر اکرم(ص) یعنی قرآن کریم، راهی را برای مردم جز تسلیم یا انکار در عین حال علم به واقعیت، نگذاشته بود لذا قرآن در مورد گروه دوم می فرماید: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ» ۴۴۹

بعضی از این ویژگیها عبارتند از: فصاحت و بلاغت آیات قرآن، مضامین عالی و قوانین عام و جامع آن، اخبار غیبی و داستان های عبرت انگیز آن، قصص اقوام و انبیای گذشته و...

خود قرآن مخالفین را تحدی ۴۵۰ می کند تا جایی که می فرماید: «قُلْ لئن اجتمعتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» ۴۵۱ در نهضت امام(ره) نیز بیانات امام(ره) و نطق ها و اعلامیه های ایشان حاکی از این است که او چیزی جز اجرای احکام خدا و محتوای

آیات الهی و دستورات معصومین(ع) را برای مردمی که قرن‌ها منتظر آن بوده اند، طرح نکرد و همچون پیامبر اکرم(ص) که در مقابل پیشنهادهای سیاسی، اقتصادی برای سازش، کوچک‌ترین نرمشی نشان نداد و بر هدف خود یعنی براندازی رژیم طاغوت و طرح حکومت اسلامی پافشاری کرد تا جایی که حتی اگر مردم هم کوتاه بیایند، او کوتاه نخواهد آمد. این حرکت امام(ره) یادآور کلام پیامبر اکرم(ص) بود که اعلام فرموده بود، اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ او قرار دهند، دست از رسالت خود برنخواهد داشت.

ج) عوامل شخصیتی:

۱- شخصیت پیامبر اکرم(ص)؛ ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اکرم(ص) در ابعاد مختلف در موفقیت پیامبر(ص) نقش داشت، که می‌توان به بعضی موارد آن اشاره کرد؛ اول اینکه صاحب دعوت از قبیله قریش بود که از بزرگترین قبایل عرب محسوب می‌گشت. دوم اینکه ایشان از خاندان هاشم - بود که در نزد مردم امتیازات زیادی از جمله، زعامت مکه و کلید داری کعبه، را دارا بودند - سوم اینکه، حضرت از خاندان اسماعیل(ع) بودند که بنابر وعده‌های داده شده، انتظار می‌رفت دعوت به توحید از آنان باشد. چهارم اینکه، خلیقات پیامبر(ص) از قبیل: صداقت، امانت، حلم، نسب پاک، عفت، خوشرویی، و به تعبیر قرآن «خلق عظیم»، جایگاه ویژه‌ای برای ایشان درست کرده بود. پنجم اینکه ایشان یک امی بودند و همه از امی بودن حضرت، مطلع بودند.

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد ۴۵۲

ششم: موحد بودن پیامبر(ص) و نیاکان حضرت که برای یک لحظه هم بت پرست نبودند و سجده بر بتها نکردند تا مورد سرزنش قرار گیرند. هفتم اینکه دعوت حضرت با مقتضیات حال (زمان و مکان) انطباق کامل داشت. هشتم، صبر و پشتکار و مقاومت حضرت در برابر دشواری‌ها و اینکه هیچ‌گونه مماشاتی با دشمنان نکرد، از ایشان شخصیت استثنایی در تاریخ درست کرده بود. در نهضت امام(ره) نیز دوست و دشمن، به استثنایی بودن شخصیت امام(ره) اعتراف کرده اند، مرجعیت، سیادت، شجاعت، مدیریت، انقلابی بودن خاندان مخصوصاً پدر بزرگوار ایشان، مقاومت در برابر مشکلات، نقش امام(ره) در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، ۱۳ مهر ۱۳۴۳ (واقعه طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی)، خلق ویژه امام(ره)، دشمن شناسی، کیاست، رأفت

اجتماعی، جدیت و قاطعیت و... از جمله عواملی بود که در پیروزی نهضت اسلامی تأثیر فراوانی داشت و موقعیت این نهضت و رهبری آن را در ۱۴ قرن تاریخ تشیع ویژه ساخت.

۲- شخصیت یاران پیامبر اکرم(ص): حمایت حضور ابو طالب(ع) به عنوان یک زعیم بزرگ از قریش از پیامبر(ص) و همراهی و حمایت اقتصادی حضرت خدیجه(س) نسبت به حضرت، همراهی و اطاعت ویژه حضرت علی(ع) و حضرت زهرا(س) به عنوان دو الگوی جامع در پیروی از دستورات حضرت، نقش زیادی در پیشبرد اهداف پیامبر(ص) ایفا کرد. در نهضت امام(ره) نیز یاران امام در انقلاب نقش زیادی داشتند و بزرگانی از حوزه و دانشگاه که در شرایط مختلف به ایفای نقش می پرداختند اگر در زندان بودند در میان زندانیان سیاسی به تبیین افکار امام(ره) پرداخته و اگر در تبعید بودند با برقراری جلسات مخفی و در صورت آزاد بودن با سخنرانی و راه اندازی جلسات مختلف، کشتی انقلاب را به تبع امام(ره) به جلو می بردند. ویژگی یاران امام(ره) همانند یاران پیامبر(ص) این بود که هر کدام گروه یا جامعه ای را رهبری می کردند.

۴۳۴. برگرفته از کتاب سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام(ص)، علامه جعفر مرتضی عاملی، ترجمه حسین تاج آبادی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، جلد اول، ص ۲۰۴.

۴۳۵. نهج البلاغه، محمد عبده، خطبه ۹۱ (۹۴ از فیض الاسلام).

۴۳۶. همان، خطبه ۲۵ (۲۶ از فیض الاسلام).

۴۳۷. همان، خطبه ۱۸۷.

۴۳۸. البداية و النهاية، ج ۷؛ به نقل از سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام(ص)، علامه جعفر مرتضی عاملی، ترجمه حسین تاج آبادی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ج اول، ص ۶۶. ر.ک: جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول خدا(ص)، رسول جعفریان، جلد اول، سازمان چاپ و انتشارات، ص ۷۱.

۴۳۹. زخرف، ۲۲.

۴۴۰. البداية و النهاية، ج ۲، ص ۲۳۷ به نقل از سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام(ص)، ص ۲۱۸.

۴۴۱. رجوع شود به مضمون آیات ۳ سوره فرقان، ۳ تا ۵ سوره احقاف، ۸۹ سوره طه، ۷۶ سوره مائده، ۱۳ سوره حج، ۷۰ تا ۷۴ سوره شعرا.
۴۴۲. السیرة النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۴۵۲.
۴۴۳. حجرات، ۱۴.
۴۴۴. زمانی که بعضی مهاجران حبشه به مکه بازگشتند، کسانی از آنها که شرایط را دشوار دیدند در جوار برخی از اشراف مکه در آمدند (عثمان بن عفان در جوار ابو اخیحه، ابو حذیفه بن عقبه در جوار امیه، مصعب بن عمیر در جوار نضر بن حارث، زبیر بن عوام در جوار زمعة بن مسعود و ابن عوف در جوار اسود بن عبد یغوث)، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۲۷ به نقل از تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول خدا(ص)، رسول جعفریان، ص ۲۴۹.
۴۴۵. اشاره به سخنانی محمد رضا پهلوی در جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در سال ۱۳۵۵ (۲۵۳۵).
۴۴۶. تا حدی که برخی یکی از عوامل گرایش ایرانیان به اهل بیت(ع) را مظلومیت این خاندان در طول تاریخ، به خصوص مظلومیت سید الشهداء(ع) می دانند.
۴۴۷. بقره، ۱۴۶.
۴۴۸. اعراف، ۱۵۷.
۴۴۹. نمل، ۱۴.
۴۵۰. هم‌آورد طلبیدن.
۴۵۱. اسراء، ۸۸.
۴۵۲. دیوان حافظ.